

# تأثیر سودانگاری همسر بر استحکام ازدواج از منظر قرآن و حدیث

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱۳

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۸/۱۳

علی کامل رضانیا

دانشگاه فردوسی مشهد ak.rezania@gmail.com

احد فرامرزی قراملکی

دانشگاه تهران ghmaleki@ut.ac.ir

محمدرضا سالاری فر

استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه msalarifar@rihu.ac.ir

## چکیده

از منظر آموزه‌های دینی، توجه به عوامل بینشی زمینه‌ساز رشد و تعالی روابط بین فردی زوجین و اعضای خانواده است. «سودانگاری همسر» که نوعی ترسیم ذهنی و از مقوله ادراکات اعتباری است، می‌تواند به عنوان یکی از مؤثرترین این دسته از عوامل در قوه خیال و ذهن زوجین در خانواده‌هایی با رویکرد دینی شکل گیرد. این انگاره ضمن استنتاج از گزاره‌های دینی با گذر از فرایندهای پیچیده ذهنی چون مراحل فربهی و جانشین‌سازی دو تصویر متفاوت از «همسر» و «سود و منفعت» و در نهایت خلق یک تصویر یعنی «سودانگاری همسر» می‌تواند در ایجاد و ارتقای بعد نگرشی صحیح زوجین در تعاملات بین فردی آنان نقش بسزایی ایفا کند. خلق نگرش سودآور بودن همسر در خیال و اندیشه شریک زندگی بر ایند بی‌واسطه این انگاره خواهد بود؛ محصولی که از جنس باور و متفاوت از ترسیم ذهنی است. با کاوش در گزاره‌های قرآنی و حدیثی، نحوه تأثیرگذاری نگرش سودآور بودن همسر از نگاه دینی بر سه مضمون اصلی استحکام ازدواج یعنی «خدامحوری»، «توجه به قواعد اخلاقی» و «تحقق نظام‌های حقوقی» بررسی و اثبات شده است.

## واژگان کلیدی:

انگاره، سودانگاری همسر، سازوکار شناختی، سازوکار احساسی، سازوکار تشویقی، سازوکار تکلیفی، نصوص دینی.

## مقدمه

خانواده یکی از نهادهای مهم جامعه بشری است که زیربنایی ترین و نخستین نهاد اجتماع به شمار می‌رود (وهاب‌زاده مقدم، ۱۳۹۹، ص ۲). تأثیر خانواده بر رشد، تعادل و شکوفایی افراد و جامعه به حدی است که هیچ صاحب‌نظری نمی‌تواند آن را انکار کند؛ به گونه‌ای که کارکردهای مثبت و سازنده خانواده همواره در زندگی فردی و اجتماعی باعث شکوفایی استعدادها و بهبود نشاط و سلامت روانی فرد و جامعه بوده است (روشنی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴۹). از این رو همه فیلسوفان و صاحب‌نظران علوم انسانی از ابتدای تاریخ مکتوب علمی درباره خانواده توصیه‌هایی داشته‌اند (سالاری‌فر، ۱۳۸۷، ص ۵). به دلیل جایگاه کلیدی آن از یک سو و سیر صعودی آمار فروپاشی خانواده در دهه‌های اخیر، انگیزه پژوهشگران برای انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه گسترش یافته و اندیشمندان و مکاتب گوناگون به دنبال کشف عوامل و زمینه‌های صعود یا سقوط آن هستند (ملفت و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۵۵۰).

تغییر ماهوی در «مفهوم خانواده» در برخی جوامع مدرن با جایگزینی مدل‌های انحرافی همچون ازدواج سفید، هم‌جنس‌گرایی و زندگی با حیوان به جای انسان، تحقیقات پژوهشگران و جامعه‌شناسان را به سمت کشف و شناسایی عواملی جدید در چرایی این تغییرات جدید اجتماعی سوق داده است. اندیشمندان انتخاب زوجین در مدل رفتاری بین فردی را از مهم‌ترین عوامل مؤثر در استحکام خانواده ارزیابی کرده‌اند و در تبیین عوامل بروز رفتار، نیاز به کسب منفعت و سود در فرد را یکی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رفتارها ارزیابی می‌کنند (شجاعی، ۱۳۸۶، ص ۸۴). در بررسی علت‌های شکل‌گیری نیاز به کسب منفعت می‌توان دو دسته عوامل را تبیین کرد:

الف) عوامل زیستی و فیزیولوژیکی بدن انسان همچون پایین آمدن سطح انرژی که در فرد به صورت طبیعی، احساس گرسنگی یا تشنگی ایجاد می‌کند و فرد را به رفتار خوردن یا آشامیدن تحریک و تشویق می‌کند.

ب) صورت و نقاشی ذهنی به نام انگاره سود و منفعت که به علل گوناگون درونی و بیرونی در ذهن انسان ایجاد می‌شود و در فرد، احساس به دست آوردن سود درباره چیزی یا امری را بر می‌انگیزاند و فرد رفتار خاصی را برای کسب آن منفعت از خود نشان می‌دهد.

در میان انگاره‌های حاکم بر ذهن انسان، یکی از مهم‌ترین انگاره‌های مؤثر در تحقق ازدواج و استحکام بخشیدن به آن، نگاه سودآوری به همسر و تشکیل خانواده است. سودانگاری همسر

نام این انگاره مؤثر است. با توجه به جایگاه و تأثیر چشمگیر این انگاره در تقویت پایه های زندگی مشترک انسان، ضرورت بررسی تحلیلی آن و تلاش در راستای تقویت این انگاره روشن خواهد بود. متناسب با هدف پژوهش باید به دو پرسش پاسخ داده شود: نخست اینکه آیا می توان بر اساس متون دینی، «سودانگاری» را به عنوان یکی از علل اصلی ایجاد احساس محبت و علاقه و روابط صمیمانه بین همسران استنتاج کرد؟ دوم اینکه متناسب با استنتاج آن از نصوص دینی، نحوه تأثیرپذیری آن بر استحکام خانواده چگونه خواهد بود؟

آموزه های اسلامی به منظور شکل دهی مطلوب و تقویت سودانگاری همسر به عنوان یک انگاره مرکزی و زیربنایی در تقویت بخشی به نظام خانواده از چهار سازو کار شناختی، احساسی، تشویق و تنبیه و تکلیف بهره برده است. این تحقیق در جای خود به این سازو کارها اشاره خواهد کرد.

پژوهش حاضر بر اساس مدل اکتشافی و با روش مطالعات کتابخانه ای و متن پژوهشی از نوع تحلیل مضمون انجام گرفته است. درباره پیشینه بحث باید گفت تحقیقات در باب توزین انگاره ها و تأثیراتشان در نهادهای اجتماعی از جمله خانواده هنوز در آغاز راه است. با این حال اشارات استاد احد فرامرز قراملکی در دو اثرشان از متن خوانی تا متن پژوهی: با تأکید بر علوم دینی (نشر حوزه علمی خراسان رضوی، ۱۳۹۹) و قدرت انگاره (با همکاری علی اکبر ناسخیان، تهران: نشر مجنون، ۱۳۹۵) در راهیابی نویسنده به این موضوع ناکاویده، راهگشا بوده است.

#### مفهوم شناسی «انگاره»، «خانواده»، «سود» و «سودانگاری همسر»

انگاره در لغت از مصدر انگاریدن به معنای تصور کردن، پنداشتن و گمان کردن، اندیشه بردن، نقش کردن و به تصویر کشیدن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۰۸) و در یک معنای اصطلاحی به نقاشی ذهنی از چیزی می گویند که به جای آن چیز می نشیند و این نقاشی ذهنی یا صورت خیالی دارای قدرتی مؤثر است که می تواند بر برداشت های اولیه، نگرش ها و انگیزش ها و در نهایت بر رفتارهای انسان مؤثر واقع شود (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۵، ص ۴۸). مفهوم انگاره در این معنا در برابر واژه انگلیسی «Image» و عربی «خیال» به کار برده می شود (همان، ص ۴۱).

انگاره در این معنا در میان فیلسوفان اسلامی به ویژه با رویکرد فلسفه صدرایی، جایگاه ارزنده ای دارد. ملاصدرا و فیلسوفان متأثر از اندیشه او در مباحث شناخت شناسی به جایگاه قوه خیال در مبادی ادراکی صدور فعل، توجه وافری از خود نشان داده اند؛ به طوری که ملاصدرا

به صراحت به نقش قوه خیال در صدور افعال اشاره کرده است (موحدی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۳۳). صدرالمآلهین با ارائه تصویر خاصی از قوه خیال در نفس شناسی و نظریه عمل حکمت متعالیه، دخالت این قوه را خلق صورت های جدید و ترکیب آنها و در نهایت صدور فعل تبیین می کند. او قائل است نفس موجودی مجرد و از سنخ ملکوت است و هر موجود مجرد و ملکوتی قدرت خلاقیت و ابداع صورت های مجرد از ماده را دارد؛ در نتیجه نفس خلاق و مظهر صور خیالی است (ر.ک: فرامرز قراملکی، ۱۳۹۵، ص ۸۷-۹۰).

مراحل شکل گیری یک رفتار در نظریات فیلسوفان مسلمان به پنج مرحله تقسیم می شود: تصور فعل؛ تصدیق فایده داشتن آن برای فاعل؛ ایجاد انگیزه برای فاعل در انجام فعل؛ تحقق اراده؛ حرکت مادی بدن به سمت انجام و صدور فعل در خارج. دو مرحله تصور فعل و تصدیق فایده مبادی ادراکی اند. بخشی مهمی از تصورات انسان در فرایند تصویرسازی متأثر از مدرکات حواس پنج گانه است. نفس هر چه را می اندیشد و تخیل می کند و می بیند و می شنود، همه را انشا می کند و مصور می کند. فاعل مختار با توجه به تصورات و اندیشه های دریافتی خود، رفتار و عمل می کند. بر اساس نظریه صدرالمآلهین تا زمانی که در قوه خیال فاعل، تصویری صحیح از فعل شکل نگیرد و مورد تصدیق واقع نشود، فعل پدید نخواهد آمد. مهم ترین بخش از فرایند صدور فعل مربوط به تصور و تصدیق فعل خواهد بود. تصورات و تصدیقات چگونگی و کیفیت فعل را تعیین می کنند؛ به بیانی دیگر اصلی ترین مرحله تأثیرگذاری قوه خیال در فرایند صدور فعل در مرحله تصویرسازی رفتار است. هنگامی که تصویری از یک امر در قوه خیال فاعل شکل گیرد، آن امر در ذات فاعل موجود شده، فاعل با فعل خودش یکی می شود. چنانچه بر فعل تأکید شود یا به شکلی آن فعل تکرار شود، حقیقت خلق شده در قوه خیال ماندگار می شود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۹۴۵). این تصویر یا حقیقت ماندگار «انگاره» نام دارد.

در نظریات روان درمانگرانی همچون فروید نیز به انگاره ها توجه ویژه ای شده است. فروید در تحقیقات خود به دنبال شناسایی عاملی بود که بر باور، اندیشه و در نهایت انتخاب ها و رفتارهای همسران مؤثر واقع می شود. او ایماگو (Imago) را که معادل لاتین «تصویر» است، عامل مؤثر در انتخاب همسر می دانست؛ انتخابی که ریشه در یک تصویر ذهنی شکل گرفته از والدین ایدئال در دوران کودکی فرد داشته است و سطح رضایتمندی در ارتباطات با همسر آینده همبستگی مستقیمی با این تصویر دوران کودکی از والدین

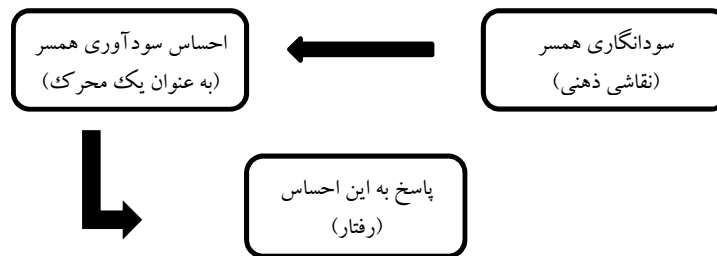
دارد. در نگاه فروید، ایماگو تصویری خیالی است که فرد از نخستین مطلوبات آرزومندی خود برای خویش ساخته و آن را به مرور در خیال خود پرورش داده تا به صورتی ایدئال در آورده و با آن، انطباق هویت کرده است (اسون، ۱۳۸۶، ص ۲۵). بعدها روانکاوان متأثر از نظریه فروید، روش درمانی جدیدی به نام «ایماگو تراپی» را برای حل تعارضات زناشویی زوجین و بهبود روابط آنان ایجاد کردند. با توجه به سابقه انگاره در فلسفه و روان شناسی فرویدی، در این تحقیق انگاره مطابق این معنا در نظر گرفته شده است.

در تعریف «سود» باید گفت «سود و منفعت» در کتاب های لغت در مقابل زیان و خسارت و به معنای نفع و فایده بردن از چیزی یا کسی تعریف شده است. اما درباره تعریف «سودانگاری همسر» یا مفید و مؤثر دیدن همسر در کسب منافع گوناگون می توان گفت «فایده داشتن و مفید بودن همسر» از جنس ادراکات اعتباری و نوعی نقاشی ذهنی است که انسان با توجه به نوع خلقت خویش و ناقص بودنش و شدت وابستگی زیستی یا روانی خود به همسر در رفع نواقص وجودی اش از همسر خود ترسیم می کند و همسر را چیزی جز «سود و منفعت برای خویش» نمی بیند. این ترسیم ذهنی با نگرش (باور) فرق دارد؛ ولی می تواند در ایجاد نگرش یا تغییر آن مؤثر واقع شود. شکل گیری آن در جریان یک فرایند ذهنی است که همراه با جانشین سازی دو تصویر متفاوت از «همسر» و «سود» تحقق می یابد؛ به گونه ای که این دو تصویر تحت تأثیر عوامل گوناگونی که در ادامه تبیین می شود، به جای یکدیگر می نشینند و در نهایت یک تصویر ثابت و ماندگار (سودانگاری همسر) ولی دارای قدرتی مؤثر در قوه خیال و ذهن فرد شکل می گیرد (ر.ک: فرامرز قراملکی، ۱۳۹۵، ص ۵۱-۵۷).

سودانگاری همسر همچون انگاره های دیگر می تواند دارای مراتب مختلفی از شدت و ضعف باشد؛ به گونه ای که در فردی در نخستین مراحل برجسته سازی و فربهی متوقف شده و به مراحل شدیدتر آن یا به مرحله جانشینی و نماد منتقل نشود؛ در نتیجه از قوام خوبی برخوردار نشود یا در افرادی دیگر که خود را در معرض آموزه های معرفتی دینی قرار داده اند و سبک زندگی مؤمنانه را برگزیده اند، از مراحل برجسته سازی و فربهی بگذرد و آخرین مرحله از مراحل جانشینی و نماد را تجربه کند که در این صورت در نهایت شدت و قوام محقق شده است. بدیهی است میزان شدت و قوام آنها در شکل دهی نوع نگرش ها (باورها) مؤثر خواهند بود. احساس سود و منفعت صفتی درونی از جنس باور و نگرش است؛ باوری که خود نتیجه انگاره (سودانگاری همسر) است و می تواند به عنوان یک

محرک قوی در ظهور و بروز و تعیین مدل های رفتاری انسان، مؤثر واقع شود. اگرچه با آغاز رشد شناختی انسان و در مراحل رشد و با توجه به سطح نیازهای زیستی یا روانی او، احساس سود داشتن برخی اشیا یا انسان ها برای فرد ایجاد می شود؛ ولی در مراحل تکمیلی رشد شناختی در سنین ازدواج، این احساس رنگ جدیدی به خود می گیرد و سودآور بودن جنس مخالف در وجود انسان شکل می گیرد.

بنابراین طبق تعاریف پیش گفته، معادل دانستن مفهوم سودانگاری همسر با مفهوم داشتن احساس سود در فرد صحیح نیست و میان این دو تفاوت های مبنایی وجود دارد؛ چراکه هریک از آنها جزو مقوله های گوناگونی همچون ادراکات اعتباری (در سودانگاری همسر) و نگرش ها (در داشتن احساس سود) هستند؛ ولی می توان رابطه طولی و علی زیر را میان آنها ترسیم کرد:



از آنجا که سودانگاری همسر یک نوع نقاشی ذهنی است، می تواند به ایجاد یا تغییر نگرش ها بینجامد و چون احساس سود و منفعت داشتن همسر از جنس باور و نگرش شمرده می شود، پس سودانگاری همسر می تواند در ایجاد یا تغییر صفت درونی احساس سودآوری همسر مؤثر واقع شود؛ اگرچه شدت و ضعف تحقق احساس سودآوری وابستگی مستقیمی با شدت و ضعف تحقق سودانگاری همسر خواهد داشت. از سویی چون شکل گیری رفتارها متأثر از نگرش ها و باورهای انسان هستند، به هر میزانی که این احساس سودآوری در فردی شکل بگیرد، به همان نسبت کیفیت و کمیت پاسخ دادن به آن احساس سود متفاوت می شود. احساس سود می تواند به شکل واقعی یا کاذب در فردی شکل بگیرد. یکی از نقش های اصلی رسانه های جمعی، ایجاد احساس سودآوری های کاذب در میان مخاطبان و عموم مردم است که با انگاره سازی، این احساس سودآوری کاذب را ایجاد می کنند. تغییر سبک زندگی انسان مدرن به سمت مصرف گرایی، انجام

رفتارهای ناپه‌نچار در ارضای نیاز جنسی و تغییر مفهوم خانواده به ازدواج با حیوانات یا ازدواج دو هم‌جنس و... ریشه در این مهم دارد.

با توجه به نقش این رابطه طولی در انتخاب رفتارها، آموزه‌های دینی با روش‌های گوناگونی می‌کوشند در جریان تحولی که برای این انگاره شکل می‌گیرد، ورود جدی داشته باشند و جهت‌دهی مناسبی را برای آن فراهم کنند تا زن و مرد در سنین رشد جنسی و عقلی خود، تحت تعلیمات مستقیم آموزه‌های دینی، اولاً از ایجاد احساس سودآوری‌های کاذب در رویارویی اشیا (در تجمل‌گرایی) یا حیوانات (همزیستی و جایگزینی حیوان به جای انسان) در آنها جلوگیری شود؛ ثانیاً درباره‌ی گرایش به جنس مخالف و درنهایت مدل صحیح ارتباطی که به شکل ازدواج مناسب با او انتخاب می‌کنند، از راه‌های انحرافی همچون زندگی تجردی، هم‌جنس‌گرایی، ازدواج سفید و... در امان بمانند.

#### ۱. فرایند شکل‌گیری سودانگاری همسر در آیات و روایات

در فرایند شکل‌گیری انگاره‌ها تبیین شد قوه‌ی متخلیه که یکی از قوای شناختی نفس به شمار می‌رود، از قدرت بالایی در آفرینش صورت‌هایی جدید به روش ترکیب و تجزیه‌ی صورت‌های قبلی برخوردار است. در جریان تبدیل صور خیالی به انواع انگاره‌ها، یک فرایند ذهنی پیچیده اما مشابه هم شکل می‌گیرد که از مراحل گوناگونی تشکیل می‌شود. با بررسی متون دینی می‌توان سه مرحله‌ی را استنتاج کرد که به ترتیب عبارت‌اند از: «حضور صور خیالی خانواده و سیستم در ذهن و همراهی آنها با یکدیگر»؛ «برجسته‌سازی و فریبی»؛ «جانشینی و نماد».

#### ۱-۱. حضور «صورت‌های خیالی همسر» و «سودآور بودن او» در ذهن

انسان با توجه به نوع خلقت خود، موجودی اجتماعی و وابسته به دیگران آفریده شده است؛ به گونه‌ای که در بسیاری از نیازمندی‌های جسمی و روانی خویش، نیازمند حضور و یاری دیگران است (زخرف: ۳۲). اصل این معنا از بدو تولد تا رسیدن به کهن سالی در وجود انسان نهادینه شده است و با توجه به مراحل رشد فیزیولوژیکی و شناختی انسان، شکل نیازمندی‌ها و اولویت‌بندی در میان انسان‌ها با هدف کسب منفعت متفاوت خواهد شد؛ به گونه‌ای که در مرحله‌ای از زندگی، داشتن نگاه سودآوری انسان به جنس مخالف سبب می‌شود انسان شریک زندگی خود را بهترین گزینه در رفع بسیاری از نیازهای خود بیابد. نظام آفرینش در خلقت انسان در مراحل اولیه‌ی رشد، دو دسته نیاز زیستی و روانی را ایجاد کرده است که کودک با واکنش‌های فیزیولوژیکی همچون گرسنگی و تشنگی به

دنبال رفع نیازهای جسمی خود و همچنین با واکنش‌های روان‌شناختی همچون ترس به دنبال تأمین احساس امنیت و رفع نیازهای روانی خود است. انسان با گذر از مراحل اولیه رشد مادی و تحول در رشد ادراکی و با توجه به شناختی که از اشیا یا دیگران می‌یابد، تصویری از آنها را در ذهن خویش ایجاد می‌کند و از سویی چون موجودی وابسته و نیازمند به جنس مخالف در تأمین بخش زیادی از نیازهایش خلق شده است و جنس مخالف را در قالب مفهوم همسری، بهترین یاور و گزینه برای رفع نیازهای مادی و روانی خویش می‌یابد، تصویری از سودآوری همسر نیز در ذهن ذخیره می‌کند و گزاره «همسر سودآور و نافع است» را نتیجه‌گیری می‌کند.

هم‌زمان با بلوغ جنسی در انسان و میل به پاسخ‌گویی به نیاز جنسی، گرایش به جنس مخالف به صورت غریزی در انسان شکل می‌گیرد؛ اما با دقت و تحلیل آیات و روایات می‌توان چنین گفت که آموزه‌های معرفتی دینی نیز با سازوکارهای گوناگونی به دنبال برجسته کردن تصویری متفاوت از نافع بودن همسر در رفع این نیاز هستند تا با فریب کردن تصویر ذهنی سودآور بودن همسر در اندیشه انسان، تصویری متفاوت از او کسب کند که این تصویر از جنس باورها و نگرش‌ها نیست؛ بلکه نوعی از ادراکات ذهنی او به نام «سودآوری همسر» خواهد بود. این حالت با طی مراحل بلوغ جنسی و بلوغ فکری انسان و به مرور زمان در ذهن انسان تقویت می‌شود تا به مرحله بعدی برسد:

۱-۲. مرحله برجسته‌سازی و فریبهی با بهره‌گیری از دو سازوکار شناختی و احساسی پس از پدید آمدن اسناد «همسر سودآور است»، این سودآوری زن و مرد برای یکدیگر با کمک آموزه‌های معرفتی دینی در ذهن و خیال زوجین، جهت‌دار و تقویت می‌شود؛ به گونه‌ای که همسر را تنها گزینه مناسب برای خود می‌یابند. تقویت این انگاره در ذهن و خیال انسان مؤمن به شکلی است که محمول (سودآوری) در گزاره «همسر سودآور است»، در ذهن و اندیشه انسان مؤمن، فریب‌تر می‌شود و ابعاد یا صفات دیگر موضوع (همسر) کوچک و کوچک‌تر می‌شود؛ تا جایی که تمامی منافی که می‌تواند برای یک انسان مزدوج تصور شود را فقط از ناحیه همسر خود می‌یابد.

در یک جامعه و خانواده دینی، متون اسلامی با دو سازوکار گوناگون به دنبال برجسته‌سازی و فریبهی انگاره در ذهن زن و مرد، پیش از ازدواج بوده است:

۱-۲-۱. سازوکار شناختی: نخستین روش متون دینی در ایجاد و تقویت نگاه سودآوری

متقابل میان زن و مرد، معرفی همسر به عنوان تنها مکمل نیازها و نواقص وجودی انسان است. این سازوکار شناختی مطابق با نظریه ای است که نخستین بار وینچ (۱۹۵۸م) در روان‌شناسی اجتماعی مطرح کرده است. او اظهار داشت انسان‌ها در ازدواج مایل‌اند فردی را برگزینند که بیشترین سوددهی را در رفع نیازهای آنان داشته باشد (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۲۶۱)؛ از این رو متون دینی ضمن شناسایی صحیح نیازهای انسان می‌کوشند با معرفی جنس مخالف به عنوان بهترین و منحصرترین گزینه برای پاسخ‌گویی به این نیاز، در روند تحولی انگاره سودآوری جنس مخالف در قالب همسری ورود کنند تا اولاً جلوی انتخاب‌های جایگزین اما غلط را که ممکن است مورد توجه انسان واقع شود، بگیرند؛ ثانیاً با ایجاد شناخت و معرفی انتخاب برتر، نیازمندانگاری انسان به جنس مخالف را در قالب مفهوم همسری در ذهن او ایجاد و آن را تقویت کنند.

سازوکار شناختی در متون دینی حداقل با سه شیوه دنبال می‌شود؛

الف) زن و مرد تنها گزینه رفع نیاز به آرامش متقابل هستند: در جریان رشد سنی انسان، با آغاز تحولات هویتی و جنسی، گرایش و تمایلات جدید عاطفی و جنسی در او شکل می‌گیرد و به دنبال راهکاری برای پاسخ‌گویی به این تلاطم درونی است. بشر امروز برای پاسخ‌گویی به این دسته از نیازها، مدل‌های گوناگونی همچون ازدواج سفید، هم‌جنس‌گرایی، ازدواج با حیوان و... را تجربه می‌کند؛ اما از منظر دین، زن و مرد در قالب مفهوم، ازدواج را تنها گزینه مطلوب برای پاسخ به این دسته از نیازها و سودآور برای دیگری می‌دانند (روم: ۲۱). اگرچه دلالت آیه بر آرامش بودن جنس زن برای مرد است؛ اما چون خطاب آیه شامل هردو جنس زن و مرد می‌شود، بر اساس ظاهر آیه می‌توان هردو جنس را مایه آرامش یکدیگر معرفی کرد. از سویی هریک از زن و مرد در ذات خویش، ناقص و نیازمند دیگری آفریده شده است که هریک می‌تواند برای دیگری، نقش مکملی داشته باشد و در نتیجه از مجموع آن دو، یک واحد کامل پدید می‌آید. به دلیل همین نقص و نیازمندی است که هریک از آن دو دیگری را نافع و سودآور برای خویش می‌یابد و به سوی او کشیده می‌شود تا با پیوند با او، آرامش یابد؛ زیرا هر ناقصی مشتاق کمال خویش است و هر نیازمندی به کسی یا چیزی مایل است که سودی از طرف او به خود برساند و نیاز او را برطرف کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۶۶).

ب) زن و مرد لباس یکدیگرند: قرآن در تبیین شناختی سودآوری زن و مرد برای یکدیگر، آن دو را به لباس تشبیه کرده است (بقره: ۱۸۷). تشبیه زوجین به لباس به این نکته مهم اشاره

دارد که همان طور که انسان به لباس نیازمند است تا زشتی‌ها، نواقص و شرمگاه‌های بدنش را بپوشاند و از سوئی لباس نوعی زینت برای انسان قلمداد می‌شود و آبروی او را حفظ می‌کند، زوجین نیز با برآوردن نیازهای متقابل جنسی و جلوگیری از کج روی، زشتی‌های یکدیگر را می‌پوشانند و بدین ترتیب زینتی برای یکدیگر خواهند بود (شاذلی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۷۴). این تعبیر نهایت نیازمندی و سودآوری جنس زن و مرد را به یکدیگر می‌رساند. از سوئی بیانگر نزدیکی آنها با یکدیگر و نیز مساوات آنها در این زمینه است؛ زیرا همان تعبیر که درباره مردان آمده، درباره زنان نیز بدون تغییر آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۵۰).

ج) زن و مرد تنها گزینه سودمند برای بقای نسل هستند: در نظام آفرینش، تداوم و بقای جامعه بشری مرهون وجود زنان و مردان است و قرآن بحث سودآوری زوجین برای یکدیگر را در این مهم به خوبی تبیین کرده است (بقره: ۲۲۳). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: نسبت زنان به جامعه انسانی نسبت کشتزار است به انسان کشتکار؛ همان گونه که کشتزار برای بقای بذر لازم است و اگر نباشد، بذرها به کلی نابود می‌شوند و دیگر غذایی برای حفظ حیات و ابقای آن نمی‌ماند، اگر زنان نباشند نیز نوع انسانی دوام نمی‌یابد و نسل بشر قطع می‌شود. آری خدای سبحان تکون و پدید آمدن انسان یا به صورت انسان در آمدن ماده را تنها در رحم مادران قرار داده و از سوی دیگر طبیعت مردان را طوری قرار داده که متمایل و منعطف به سوی زنان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۱۲).

۲-۲-۱. سازوکار احساسی: دومین روش متون دینی در ایجاد و تقویت سودآوری متقابل میان زن و مرد، بهره‌گیری از سازوکار احساسی و تقویت گرایش‌ها و تمایلات دو جنس زن و مرد به یکدیگر است. خداوند در نظام خلقت خویش، زن و مرد را با تفاوت‌های گوناگونی آفریده است. این تفاوت‌های طبیعی زن و مرد که شامل تفاوت‌های جسمی و عاطفی‌اند، به گونه‌ای است که باعث بالا رفتن قدرت جاذبه گرایش‌ها و احساسات طرفین به یکدیگر می‌شود و هریک از زن و مرد، دیگری را بهترین گزینه برای پاسخ به گرایش‌ها و تمایلات احساسی و هیجانی خویش می‌یابد. مردان از جذابیت بدنی و لحن و تن صدای نرم و اخلاق لطیف زنانه لذت می‌برند (احزاب: ۳۲) و زنان به بدن خشن و ورزیده و صلابت مردانه در گفتار و رفتار و تکیه‌گاهی مرد گرایش دارند (نسا: ۳۴).

تفاوت‌های طبیعی زن و مرد اعم از برتری مردان بر زنان از نظر قدرت بدنی و برتری زنان بر مردان از نظر قدرت عاطفی یا تفاوت‌های فیزیولوژیک آنان از نظر حجم و

کارکردهای مغز و نقش متفاوت هرمون‌های مردانه در سلطه‌جویی و تأثیر رشد هورمونی خاص زنان در بروز ویژگی‌های عاطفی و مراقبتی در آنان، نیازمندی دو جنس مخالف به یکدیگر را روشن می‌کند و نگاه سودآوری آنان را برای هم ایجاد می‌کند؛ چنان که طبق ادعای برخی روان‌شناسان، تمایل زنان به پذیرش مدیریت دیگران و کار زیر نظر آنان از این منظر، چشمگیر خواهد بود (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۲۱۵). به میزان تأثیرپذیری انسان از آموزه‌های دینی در ایجاد شناخت مناسب از جنس مخالف و به مقدار تقیّد در رعایت حدود ارتباطی بین خود و جنس مخالف و کنترل گرایش‌های احساسی، این مرحله دارای مراحل گوناگونی از شدت و ضعف در مراتب وجودی خواهد بود.

### ۱-۳. مرحله جانشینی و نماد با استفاده از سازوکار رفتاری

آخرین مرحله از مراحل شکل‌گیری انگاره‌ها در آیات و روایات، مرحله جانشینی دو تصویر است. در این مرحله، تکرار زیاد و انس ذهن با اسناد تحویل‌گرایانه به جانشینی تصویرها می‌انجامد. متون دینی به منظور تکمیل فرایند انگاره‌سازی و رساندن آن به مرحله نهایی یعنی جانشینی و نماد، از دو سازوکار دیگر پس از تشکیل خانواده بهره‌گیری کرده است:

۱-۳-۱. سازوکار تشویق و توبیخ: آموزه‌های اسلامی به منظور تقویت نگاه سودانگاری همسران به یکدیگر در راستای حفظ و استحکام نظام خانواده، با توصیه و تشویق به تعاملات زوجین و توبیخ در پی رفتارهای ویرانگر کوشیده سطح نیاز و وابستگی همسران به یکدیگر را بالا ببرد تا در نهایت سودآور بودن همسر را تقویت کرده باشد؛ از این رو در بعد تشویقی، ارتباط دیداری زوجین از روی محبت را ارزشمند معرفی می‌کند (پابنده، ۱۳۸۳، ص ۲۷۸) و در جایی دیگر هم‌نشینی مرد در کنار همسر و خانواده را برتر از اعتکاف در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می‌کند (ورّام، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۲۲) و در معاشرت‌های خاص، شرم نداشتن در پوشش را برای زن فضیلت بر می‌شمرد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۳۲۴). در بعد توبیخی نیز زن و مرد مقصر در سودآوری را به شدت سرزنش می‌کند (همان، ج ۴، ص ۱۲).

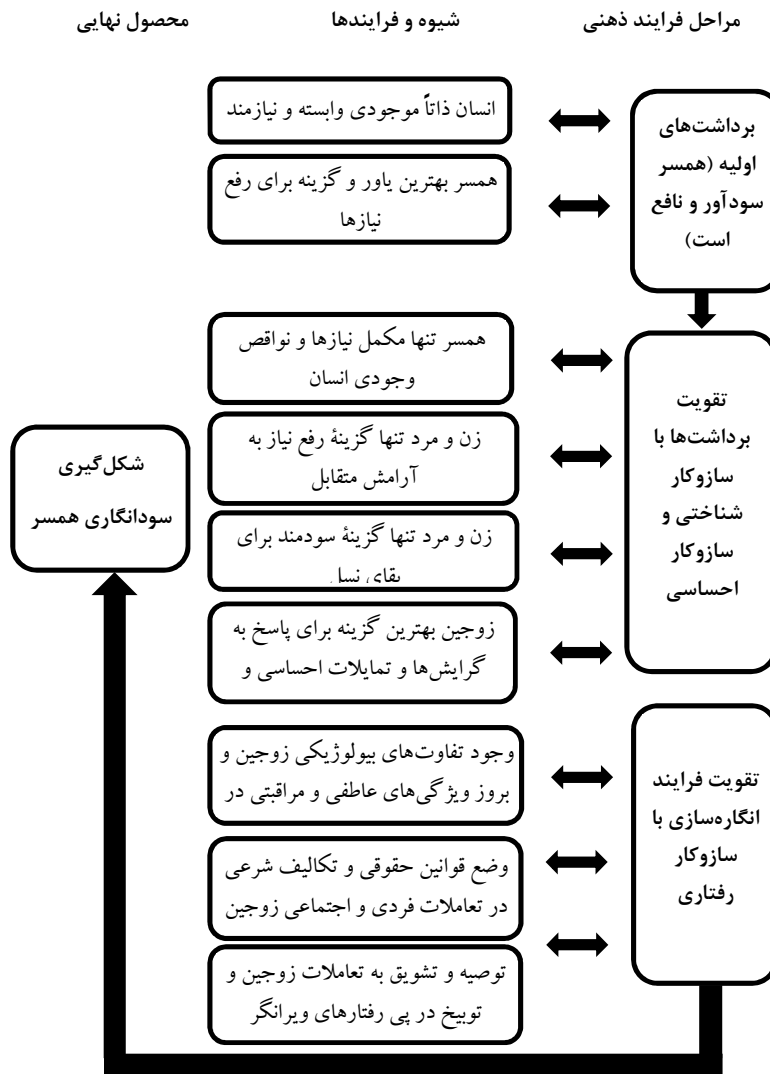
۱-۳-۲. سازوکار تکلیف: متون دینی با وضع قوانین و احکام شرعی همچون احکام نگاه، حرمت ارتباطات تحریک‌آمیز خارج از محیط همسری، وجوب رعایت عفاف و حجاب و... سطح وابستگی همسران به یکدیگر را در ارضای نیازهای جنسی و عاطفی بالا برده‌اند تا در پرتو آن سودآوری آنها برای یکدیگر بیش از پیش جلوه‌گری کند. همچنین با وضع برخی قوانین حقوقی همچون حق نفقه، استقلال مالی برای زن را توصیه نمی‌کنند و وابستگی او به مرد را

برای تقویت سودآوری همسر لازم می‌دانند (نسا: ۳۴). در آیه ۳۴ سوره نسا، اسلام در راستای وابستگی و نیازمندی جنس زن به مرد در نظام خانواده، سمت مدیریت کلان خانواده را با برخی اختیارات مشخص و محدود در ازای برخی وظایف مشخص به مرد واگذار می‌کند تا در پرتو این حکم حقوقی، انگاره سودآوری مرد برای زن در او ایجاد و تقویت شود. همچنین برخی احکام شرعی همچون سلب مسئولیت از جنس زن در کسب معاش و درآمد های مورد نیاز زندگی و وابسته کردن او به مرد در این دسته از امور روزمره، از این رهگذر تبیین پذیر است. از سویی حق تمکین را برای مرد محفوظ می‌داند تا بهانه خیانت مرد خارج از روابط همسری را از او بگیرد. با وجود این حق، مرد در پاسخ به نیاز جنسی خویش، هم‌زمان با محدودیت های شرعی خارج از محیط زناشویی، خود را وابسته به همسری می‌یابد که با نبود موانع شرعی و عقلی، موظف است خود را در اختیار مرد قرار دهد.

در مرحله جانشینی و نماد، محمول (سودآور) در گزاره «همسر سودآور است» از برجستگی و فریبهی خاصی برخوردار می‌شود؛ تا جایی که با اغراق و مبالغه بیشتری همراه خواهد شد. در این صورت تحویل دو تصویر به جای یکدیگر اتفاق می‌افتد؛ بدین صورت که محمول (سودآور) در جمله «همسر سودآور است» به تدریج فربه‌تر می‌شود؛ تا آنکه موضوع (همسر) را هضم می‌کند و جانشین موضوع می‌شود؛ یعنی با فربه شدن، تصویر محمول به جای تصویر موضوع می‌نشیند و فرد گویا دیگر برای همسر خویش صفت یا شأنی به جز سودآوری او نمی‌بیند و عملاً دو تصویر به یک تصویر تبدیل می‌شود؛ در نتیجه گزاره «همسر سودآور است» به «همسر یعنی سودآور» تبدیل می‌شود؛ «یعنی» در اینجا نه بیان معنا و نه بیان تعریف و نه بیان توصیف است؛ بلکه نشان‌دهنده نقاشی ذهنی است که فرد از همسر خود در طول این فرایند ذهنی برای خویش ایجاد کرده است و در واقع امر، توصیفات دیگر همسر پنهان یا کم‌رنگ جلوه می‌کند. در اینجا «سودآور» به جای «همسر» نشسته و از این طریق به نماد آن تبدیل می‌شود. چنانچه فرد هرگاه با واژه سودآور یا با هر رفتار و گفتاری که تبادرکننده این رابطه وجودی میان خود و همسر است، روبه‌رو شود، به صورت هشیار یا ناهشیار، سودآور بودن همسر در ذهن او تداعی می‌شود و آن را اراده می‌کند. در این مرحله، اسناد شکل گرفته در دو مرحله پیش، حذف می‌شود و تصویر محمول (تصویر سودآوری) با جانشین شدن به جای تصویر موضوع (همسر)، نماد آن می‌شود و عملاً دو تصویر به یک تصویر تبدیل می‌شود. در این فرایند، تصدیق به تصور می‌انجامد و اسناد به تصویر تبدیل می‌شود. چنین فرایندی نوع

جدیدی از ادراک را برای فرد رقم خواهد زد که از ادراکات اعتباری به نام «سودآوری همسر» به شمار می‌رود. چنین تصویری منشأ ایجاد یا تغییر تصورات، تصدیقات، باورها، داورها و انتخاب‌های فرد در تعاملات بین فردی او با همسر خواهد شد.

شکل ۱: فرایند ذهنی پیچیده شکل‌گیری سودانگاری همسر در نصوص دینی



## ۲. تأثیر «سودانگاری همسر» بر عوامل استحکام بخش خانواده

نصوص دینی اسلام دربردارنده چندین عامل سازمان دهنده در استحکام خانواده هستند. دو عامل «رعایت اصول اخلاقی» و «رعایت حقوق و وظایف بین فردی» (حقوق مادی، ارضای متقابل نیاز عاطفی و جنسی) در روابط زوجین از مهم ترین عوامل استحکام بخش در نصوص دینی است. به سخنی دیگر استحکام خانواده در گرو چند پایه نظری و تحلیل مفهومی است که در این نوشتار، با توجه به یک انگاره اساسی یعنی سودانگاری همسر، تأثیر این انگاره بر این دو عامل استحکام بخش یاد شده پیگیری خواهد شد.

### ۲-۱. رعایت اخلاق حسنه

بر اساس مضامین دینی، تنظیم امور خانواده و اعضای آن و در نتیجه پایداری خانواده مبتنی بر به کارگیری دو نظام حقوقی و اخلاقی در طول یکدیگر در خانواده است (محمودزاده و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۳۳) و این امر زمانی محقق می شود که انگاره سود بودن همسر در روابط بین فردی زوجین حاکم باشد.

به منظور تبیین نحوه تأثیر گذاری سودانگاری همسر بر تحقق اخلاق حسنه به مقدمات ذیل نیاز است:

**مقدمه اول:** از اصول مؤثر در انتخاب رفتار توسط انسان می توان به اصل جلب منفعت و اصل دفع ضرر اشاره کرد. به طور معمول هر رفتاری زمانی از انسان صادر می شود که منفعتی در آن وجود داشته باشد یا ضرری به واسطه انجام آن از انسان دور شود (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۶-۱۶۱).

**مقدمه دوم:** داشتن احساس منفعت از ناحیه همسر که محصول مستقیم سودانگاری همسر است، به ایجاد علاقه بین فردی و انگیزه در انجام رفتار و بروز برخی صفات اخلاقی در تعاملات همسران با هم می انجامد. در هم زیستی زن و مردی در قالب ازدواج با رویکردی دینی، زمانی که فرد تحت تأثیر آموزه های دینی، همسر خویش را عاملی مؤثر در تأمین نیازهای مادی خویش (نسا: ۳۴) یا ارتقای بُعد معنوی و عبادی خود (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۴)، حافظ بخش چشمگیری از گوهر ایمان خویش یافته باشد (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۴۹) و او را منبع آرامش جسمی و روانی (روم: ۲۱) و روزی خود بداند (فیض کاشانی، ۱۳۶۵، ج ۲۱، ص ۳۹) و وجودش را یاریگر در دنیا و آخرت خود شناخته باشد (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۶۴)، نتیجه می گیرد چنین همسری منبع خیر و

برکت و منافع کثیره برای او خواهد بود و با توجه به این درجه از شناخت از منافع و نعمت‌های فراوان همسر، علاقه‌اش به او شکل می‌گیرد (صدوق، ۱۴۱۷ق، ص ۴۸۴). در چنین حالتی است که انسان هوشمند آینده‌نگری خواهد داشت (آمدی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۱۷) و در انتخاب صفات اخلاقی و رفتارهای متقابل همچون تواضع (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۶)، گذشت و بردباری (حرانی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۸)، همراهی و مدارا کردن (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۳۹۵)، مهرورزی و تشکر زبانی و عملی داشتن سنجیده‌تر عمل خواهد کرد تا از تمامی منافع همسر، بهره کامل و کافی ببرد (آمدی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۱۶).

تحقق صفت اغماض و مدارا کردن مرهون وجود احساس منفعتی است که از سودانگاری همسر شکل گرفته است؛ زیرا در تعاملات بین فردی زوجین، تفاوت‌های فرهنگی، تربیتی و شخصیتی همسران می‌تواند زمینه‌ساز بروز اختلافات و تشدید ناراحتی‌ها می‌شود. بر اساس آموزه‌های معرفتی دینی، عاملی که بتواند به عنوان یک امر پیشگیرانه مانع بروز اختلافات زوجینی شود، نوع نگاه و احساسی است که همسران به همدیگر خواهند داشت. با وجود احساس سودآوری همسر که محصول مستقیم سودانگاری است، همسران برای کسب منافع بیشتر، تلاش می‌کنند نواقص وجودی و اخلاقی شریک زندگی خود را نادیده بینگارند و به رغم وجود اختلافات، با سازشکاری عاقلانه، صفت رفق و مدارا را در خود تقویت کنند (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۱۲۰).

نکته مهم این است که بر اساس روایات مأثوره، تحقق این صفت در میان همسران، خود عاملی مهم در انجام رفتارهای سودآور بیشتر برای شریک زندگی است؛ یعنی سودانگاری همسر باعث ایجاد احساس منفعت در شریک زندگی می‌شود و این احساس، فرد را به سمت ایجاد و تقویت صفت اخلاقی سازگاری سوق می‌دهد. انجام این صفت خود باعث انجام رفتارهای سودآور بیشتر از سوی همسران خواهد شد (پاینده، ۱۳۸۳، ص ۶۹۵). همچنین همسرانی که خود را معرض تربیت دینی قرار داده باشند، به این باور ایمان خواهند داشت که نظام آفرینش برای انسان، سختی و رنجش را در زندگی دنیوی تدبیر کرده است (بلد: ۱۴)؛ به گونه‌ای که کسب موفقیت‌ها بدون سختی و تلخی‌ها ممکن نخواهد بود (آمدی، ۱۴۲۹ق، ص ۳۰۵) و در پرتو صفت صبر است که می‌توانند در تعاملات خانوادگی یا اجتماعی، سود را برای خویش به دست آورند (همان، ص ۴۷۷)؛ بنابراین مشکلات و مصیبت‌های احتمالی که از ناحیه همسر برای فرد ایجاد می‌شود،

شکونده نخواهد بود و همسر را با وجود آنها می‌پذیرد؛ چراکه به منافع فراوان مادی و معنوی چنین همسری ایمان دارد؛ به ویژه زمانی که منافع معنوی آن مورد تأیید متون دینی نیز قرار گرفته باشد (طبرسی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۳).

چنانچه بر اساس آموزه‌های دینی، همسران شریک زندگی خود را منبع خیرات و برکات مادی و معنوی ببینند و با این نگاه، همسر خود را ارزیابی کنند و همسر نیز در مقام عمل، تحت تربیت حاصل از متون دینی، شریک زندگی خود را از منافع وجودی‌اش به بهره‌مندی حداکثری برساند (مجلسی، ۱۳۷۸ق، ج ۱۰۳، ص ۲۱۷)، انگیزه‌ای در فرد ایجاد می‌شود و شریک زندگی را به سمت مهرورزی پیش‌ازپیش و قدردانی کلامی و رفتاری هدایت می‌کند. در چنین اوضاعی که فرد با تمام وجود، منافع همسر را دریافت می‌کند، تشکر زبانی و رفتاری به عنوان یکی از صفات اخلاقی شایسته، حداقل بازتاب رفتاری است که فرد برای حفظ این دسته از منافع یا بیشتر شدن آنها از سوی همسر از خود نشان می‌دهد (آمدی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۱۶) و در نتیجه بین دریافت منافع بیشتر و تقویت صفت قدردانی از همسر، رابطه مستقیمی وجود خواهد داشت. هر مقدار رفتارهای همسران به گونه‌ای باشد که نفع بیشتری را متوجه شریک زندگی کند و سودانگاری از قوت و قوام بیشتری برخوردار شود، به همان نسبت احساس منفعت و انگیزه در انتخاب رفتارها و صفات اخلاقی برتر، بیشتر خواهد شد.

نتیجه: هر یک از صفات اخلاقی فوق به نوبه خود نقش مؤثری در محبت بین فردی زوجین و استحکام روابط عاطفی آنها خواهد داشت؛ تحقق صفت همراهی و مدارا کردن از برجسته‌ترین صفات اخلاقی است که نقش بی‌بدیلی در استحکام روابط زوجین خواهد داشت. در پرتو آن نقش ویرانگر اختلافات بین زوجین کاهش می‌یابد (آمدی، ۱۴۲۹ق، ص ۸۱۵) و زندگی مشترک از سلامتی نسبی برخوردار می‌شود (واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۵). همچنین تلخی‌های زندگی کاسته می‌شود و همسران از یکدیگر بهره بیشتری خواهند برد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۱۹). به برکت این فواید، محبت بین فردی زوجین تثبیت می‌شود (واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۴۳)، سطح رضایت زوجین از زندگی مشترک ارتقا می‌یابد و زندگی از بهره‌وری بالاتری برخوردار خواهد شد (همان، ص ۴۵۱)؛ در نتیجه خانواده از استحکام لازم برخوردار خواهد شد.

همچنین انسان هوشمند در هنگام سختی‌ها و مشکلات زندگی، تاب آوری بالایی از

خود نشان خواهد داد (آمدی، ۱۴۲۹ق، ص ۴۰۱) و آن را وسیله ای برای پیروزی بر عوامل شکننده زندگی مشترک می‌داند (همان، ص ۶۸) و در سایه صفت صبر است که ضررها و بلاهای مضاعف از زندگی مشترک خویش را دور می‌کند (همان، ص ۴۶) و کاستی‌ها و تلخی‌های زندگی را که زمینه‌ساز اضطراب‌ها و شکست‌های روحی روانی هستند، از دل خود می‌زداید (سید رضی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۰۲). در این صورت است که فرصت‌های خوب را برای بهره‌مندی بیشتر از زندگی مشترک به دست می‌آورد (همان، ص ۷۲). تحقق و تقویت این صفت در زوجین، آنان را در انتخاب هر عملی که بتواند استحکام زندگی مشترک را تضمین کند، یاری می‌رساند (همان، ص ۴۶).

صفت قدردانی نیز همچون صفات قلبی، نقش مؤثری در استحکام روابط بین فردی زوجین خواهد داشت؛ زیرا یکی از عوامل مؤثر در دلگرمی زوجین به تداوم زندگی مشترک، دریافت منافع و خدمات شایسته از سوی شریک زندگی است. تحقیقات نشان داده ازدواج‌هایی که زوجین به دلایل گوناگون از منافع آن بی‌بهره باشند و گاه تداوم آن همراه با تعارض‌های ویرانگر و تحقیرآمیزی باشد که سطح رضایت آنان از زندگی را کاهش چشمگیری بدهد، زندگی دچار شکست خواهد شد (فتحی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳۲)؛ از این رو تداوم دریافت منافع از شریک زندگی، مرهون دیده شدن زحمات و تلاش‌هایی است که فرد در زندگی اشتراکی خود انجام می‌دهد؛ تلاش‌هایی که به منظور کسب رضایت شریک زندگی، مورد توجه قرار گرفته است. از سویی مهم‌ترین عاملی که بتواند دیده شدن زحمات را برای فرد اثبات کند و ماندگاری و افزایش منافع را تضمین نماید، روحیه قدردان بودن همسر در برابر آنهاست (حرانی، ۱۴۲۹ق، ص ۳۵۹) و با نبود این روحیه، انگیزه همسران برای خدمت‌رسانی و مهرورزی بیشتر کاهش می‌یابد (آمدی، ۱۴۲۹ق، ص ۶۵۳) و با از دست رفتن منافع و خدمات از سوی شریک زندگی، سردی عاطفی میان زوجین پدید خواهد شد. به سبب اهمیت و نقش بسزای این صفت در استحکام روابط بین فردی انسان‌ها به‌ویژه زوجین است که در متون دینی، این امر از حقوق بین فردی دانسته شده (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۵۶۸) و بی‌تفاوتی در ابراز تشکر هنگام دریافت نعمت‌ها و خیرات از سوی مخلوق را مساوی با ناسپاسی در برابر خالق شمرده است (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۴) و چنین فرد ناسپاسی را که باعث بی‌انگیزگی انسان در دادن خدمات و خیرات به دیگران شده است، دور شده از رحمت الهی معرفی می‌کند (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۲۴۱).

### ۲-۳. رعایت حقوق

تعاملات زوجیتی که با سود و منفعت برای همسران همراه نباشد یا کمترین منفعت و خیری را نصیب شریک زندگی کند، به بهانه‌های گوناگون رو به اضمحلال و سقوط خواهد رفت؛ درمقابل چنانچه زوجین بیشترین منافع را از شریک زندگی خود داشته باشند و او را منبع و منشأ خیرات فراوان برای خود ببینند، تلاش خواهند کرد هر عاملی که آنها را از این منافع محروم نماید، از خود دور کنند. بی‌توجهی به حقوق همسر مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند خیررسانی شریک زندگی را تحت الشعاع قرار دهد؛ از این رو زوجین با وجود این انگاره می‌کوشند در انجام رعایت حقوق بین فردی شریک زندگی از هیچ امری کوتاهی نورزند و در مقام عمل، نگاه سودآوری به همسر و ترس از دست رفتن منافع بیشتر عاملی اساسی است که می‌تواند توجه به حقوق و رعایت حداکثری آنها در تعاملات زن و مرد با یکدیگر را به همراه داشته باشد.

بر اساس متون دینی، همبستگی مستقیمی میان سودآور نبودن زوجین و رعایت نکردن حقوق بین فردی آنان وجود دارد؛ به گونه‌ای که اگر همسران در راستای رعایت حقوق عاطفی یکدیگر، حسن معاشرت نداشته باشند و برای نمونه در ارتباطات کلامی خویش که بیشترین مدل ارتباطی میان زوجین تعریف شده است، حداقل‌های آداب کلامی را رعایت نکنند، نباید انتظار داشته باشند شریک زندگی به صورت یک طرفه حسن معاشرت را رعایت کند و ارتباط کلامی مؤثری از خود نشان دهد (آمدی، ۱۴۲۹ق، ص ۶۵۳). همچنین چنانچه مرد با راحت طلبی خویش، نقش سودآوری خود را در تأمین نیازهای مادی همسرش از دست بدهد، نمی‌تواند متوقع شود زن نقش خود را در خانه‌داری و همسر داری به منظور گرم نگه داشتن کانون خانواده به خوبی ایفا کند (همان، ص ۷۳). اگر زن نیز بدون دلیل موجه شرعی و قانونی، همسر خویش را از منافع جنسی خود محروم کند، این حق را به مرد می‌دهد که او هم از رعایت نفقه زندگی به عنوان یکی از حقوق اصلی زن، استنکاف نماید. مفهوم مخالف این همبستگی بیانگر این حقیقت است که میان سودانگاری زوجین و رعایت حقوق بین فردی آنان رابطه معناداری وجود دارد.

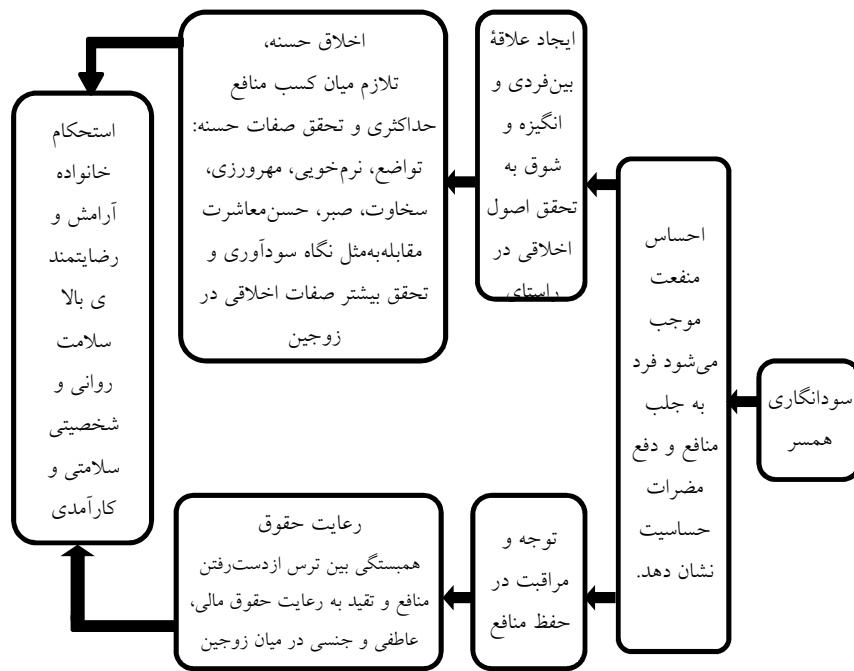
چنانچه زوجین از معارف اصیل دینی فاصله گرفته باشند و زندگی مشترک را بر اساس آموزه‌هایی ناصواب و سبک زندگی غیردینی را برگزیده باشند، نمی‌توانند با نگاه حداکثری در سودآور بودن شریک زندگی روبه‌رو شوند. در چنین حالتی، یا سودانگاری

همسر محقق نمی‌شود یا به شکلی حداقلی خود را نشان می‌دهد. ممکن است جوان به اعتبار قدرت جوانی خویش و بالا بودن توان جنسی‌اش، شریک زندگی را وسیله‌ای مناسب در ارضای شهوات خود بباید یا او را در تأمین بخشی از نیازهای مادی خویش همچون نیازهای تغذیه‌ای سودمند بداند؛ اما با توجه به این نگاه سودآوری حداقلی به شریک زندگی، در تعارضات زندگی به آسانی می‌تواند به فکر جدایی و جایگزینی شریک زندگی جدیدی باشد. بدیهی است در این نوع نگاه به جنس همسر، انگیزه‌ای برای تداوم و کسب منافع بیشتر از شریک زندگی وجود ندارد؛ چراکه در اصل منفعی را باور نکرده و نیافته است. این در حالی است که در تربیت بر اساس آموزه‌های دینی، منافع همسران به نیازهای جنسی و مادی محدود نخواهد بود و ابعاد وجودی شریک زندگی به شکل‌های گوناگونی می‌تواند سودآوری‌های متعددی را برای فرد در دنیا و آخرت فراهم کند.

متأسفانه در عصر کنونی، آنچه بر اساس تبلیغات رسانه‌ای و تهاجمات فرهنگی به‌ویژه برای کشورهای اسلامی رخ می‌دهد، القای حداقلی از سودانگاری یا القای انگاره‌های منفی درباره شریک زندگی است. اینکه شریک زندگی را نه یار، بلکه بار و زحمت‌القا کنند و زحمت‌انگاری یا مزاحم‌انگاری برای شریک زندگی را به شکل‌های گوناگونی القا کنند، در حجه تبلیغات رسانه‌ای دنیای غرب انکارکردنی نیست. با این القای ویرانگر، مرد زن را نه فقط سودآور نمی‌بیند؛ بلکه او را فردی نان‌خور حساب می‌کند که مرد را به تأمین نیازهای مادی‌اش موظف کرده است. در این فضای غبارآلود فرهنگی، ازدواج سفید، ازدواج با اشیا و... رافع نیازهای جنسی معرفی می‌شود و سودآوری زن منتفی می‌شود. همچنین زنی که تحت آموزه‌های دنیای غرب قرار گرفته باشد، مرد را نه سودآور، بلکه مزاحم ارضای نیازهای خود می‌یابد. در چنین اوضاعی، مرد و شریک زندگی را با اعمال محدودیت‌های حاصله از سوی مرد، مزاحم ارضای خواسته‌های شهوانی و تمایلات زنانگی قلمداد می‌کند و حاضر نمی‌شود خود را به یک مرد مقید بداند. اینها همه محصول انگاره‌های منفی از شریک زندگی و فاصله گرفتن از معارفی اصیل در دین است که با القای سودآور بودن زن و مرد برای شریک زندگی، به دنبال تداوم و استحکام نظام خانواده و دستیابی همه افراد از برکات خانواده سالم و متعالی است.

شکل ۲: سودانگاری همسر و نقش آن بر استحکام خانواده

انگاره      باور محوری      واسطه‌ فرایندی      عوامل اصلی استحکام      پیامد نهایی



### نتیجه‌گیری

نگاه «سودانگاری همسر» که همسر را عاملی حیاتی در کسب منافع مادی و معنوی بی‌شماری القا کند، با القای انگاره‌های منفی درباره شریک زندگی که او را نه یار، بلکه بار و زحمت القا کنند و زحمت‌انگاری یا مزاحم‌انگاری برای شریک زندگی به شکل‌های گوناگونی القا شود، می‌تواند به بروز آثار متفاوتی در زندگی مشترک آنان بینجامد. با این القای ویرانگر، زوجین نگاه منفی به یکدیگر خواهد داشت و برای نمونه مرد همسر خود را نه فقط سودآور نمی‌بیند؛ بلکه او را فردی نان‌خور می‌داند که مرد را موظف به تأمین نیازهای مادی‌اش کرده است. در این فضای غبارآلود فرهنگی، ازدواج سفید، ازدواج با اشیا و... رافع نیازهای جنسی معرفی می‌شود و سودآوری زن منتفی می‌شود.

گزاره‌های دینی در ایجاد و رشد ادراکاتی ذهنی همچون سودانگاری همسر به عنوان یکی

از زیربنایی‌ترین عوامل در تحقق پایداری خانواده، اهتمام بسزایی دارند. تحقق این مهم در خانواده‌هایی با رویکرد دینی با کمک سازوکار شناختی آغاز شده و در یک فرایند ذهنی از مرحله تقارن صورت‌های خیالی خانواده و سیستم در ذهن به مراحل فربهی و برجسته‌سازی و نماد و جانشینی با کمک سازوکارهای احساسی، تشویقی و تکلیفی می‌رسد.

ادراک اولیه از جایگاه و نقش همسر در کسب منافع مادی و معنوی برای شریک زندگی و کل خانواده با کمک آموزه‌های معرفتی دینی با چهار سازوکار شناختی، احساسی، تشویقی و تکلیفی در ذهن و خیال انسان مؤمن تقویت می‌شود؛ به گونه‌ای که محمول (سودآور بودن همسر) در گزاره «همسر سود و منفعت است» در ذهن و اندیشه انسان مؤمن فربه‌تر می‌شود و ابعاد یا صفات دیگر موضوع (همسر) محدودتر و پنهان‌تر می‌شود و در نهایت «سودانگاری همسر» شکل می‌گیرد.

به میزان شدت تحقق «سودانگاری همسر» و با توجه به نقشی که در ایجاد و تقویت نگرش سودآور بودن همسر برای شریک زندگی به وجود می‌آید، فرد می‌تواند بر عوامل ویرانگر در استحکام خانواده چیره شود و بر دو مضمون اصلی رعایت اخلاق حسنه و قوام نظام‌های حقوقی حاکم بین اعضای خانواده به عنوان عوامل زیربنایی استحکام خانواده از طریق عوامل واسطه‌ای، تأثیر جدی بگذارد. رعایت این اصول اساسی در نهایت به سلامتی و کارآمدی (استحکام) خانواده منجر می‌شود.

---

---

## مقالات

تأثیر سودانگاری همسر بر استحکام ازدواج از منظر  
قرآن و حدیث

## منابع و مأخذ

\* قرآن کریم.

۱. اسون، پل - لوران؛ واژگان فروید؛ ترجمه کرامت موللی؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۶.
۲. آذربایجانی، مسعود و همکاران؛ روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲.
۳. آمدی، عبدالواحد؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ تحقیق سیدمهدی رجائی؛ قم: مؤسسه دار الكتاب الاسلامی. ۱۴۲۹ق.
۴. پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحه؛ قم: انصاریان، ۱۳۸۳.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ قم: آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۴ق.
۶. حرانی، ابن شعبه؛ تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله؛ بیروت: منشورات الفجر، ۱۴۲۹ق.
۷. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۸. روشنی، شهره و سوسن باستانی و نهله غروی نایینی؛ «پیامدهای اختلال در احساس آرامش زنان در زندگی زناشویی»؛ نشریه پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، س ۸، ش ۱۹، تیر ۱۳۹۹ ص ۴۷-۷۲.
۹. سالاری فر، محمدرضا؛ خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
۱۰. سید رضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ تهران: نشر اسوه، ۱۴۱۵ق.
۱۱. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم؛ فی ظلال القرآن؛ بیروت: دار الشروق، ۱۴۱۲ق.
۱۲. شجاعی، محمدصادق؛ «نظریه نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام و تناظر آن با سلسله مراتب نیازهای مازلو»؛ مطالعات اسلام و روان شناسی، س ۱، ش ۱، ۱۳۸۶.
۱۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم؛ مفاتیح الغیب؛ تصحیح و تحقیق نجفقلی حبیبی؛ تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۶.
۱۴. صدوق. محمد بن علی؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ محقق و مصحح: مهدی لاجوردی؛ تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸.
۱۵. صدوق، محمد بن علی؛ الامالی؛ قم: البعثه، ۱۴۱۷ق.
۱۶. صدوق، محمد بن علی؛ الخصال؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.

۱۷. صدوق، محمد بن علی؛ *من لا یحضره الفقیه؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.*
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.*
۱۹. طبرسی، حسن بن فضل؛ *مکارم الاخلاق؛ قم: شریف رضی، ۱۳۷۷.*
۲۰. فتحی، الهام و معصومه اسماعیلی و کیومرث فرحبخش و منیژه دانش پور؛ «حیطه های تعارض و استراتژی های حل آن در زوجین رضایتمند»؛ *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، س ۶، ش ۲۴، ۱۳۹۴، ص ۲۹-۵۴.*
۲۱. فرامرز قراملکی، احد؛ *قدرت انگاره ها؛ تهران: مجنون، ۱۳۹۵.*
۲۲. فیض کاشانی، محسن؛ *الوافی؛ اصفهان: مکتبه امیرالمؤمنین، ۱۳۶۵.*
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.*
۲۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ *بحار الانوار؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۷ق.*
۲۵. محمودزاده، اعظم و زهرا یوسفی و محسن گل پرور؛ «طراحی الگوی پایداری خانواده مبتنی بر آموزه های اسلامی»؛ *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، س ۷، ش ۱۷، زمستان ۱۳۹۸، ص ۳۳-۷۴.*
۲۶. مصباح یزدی، محمد تقی؛ *انسان شناسی در قرآن؛ قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۲.*
۲۷. مطهری، مرتضی؛ *نظام حقوق زن در اسلام؛ تهران: صدرا، ۱۳۶۹.*
۲۸. مفید، محمد بن نعمان؛ *الاختصاص؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ بیروت: دار المفید، ۱۴۱۴ق.*
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ *تفسیر نمونه؛ تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.*
۳۰. ملتفت، حسین و مصیب محبی و داوود شهپری و فاطمه هاشمی؛ «بررسی پویایی طلاق در ایران در دوره ۱۳۸۳-۱۳۹۳»؛ *خانواده پژوهی، س ۱۶، ش ۶۴، اسفند ۱۳۹۹، ص ۵۴۷-۵۶۸.*
۳۱. موحدی، نرگس و مرضیه اخلاقی و زهره اسماعیلی و علیرضا پارسا؛ «جایگاه قوه خیال در صدور افعال و نتایج تربیتی آن (با تأکید بر مبانی نفس شناسی صدر المتألهین)»؛

- خردنامه صدر، س ۲۴، ش ۹۶، تابستان ۱۳۹۸، ص ۳۱-۴۰.
۳۲. نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل؛ بیروت: مؤسسه آل البيت عليه السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
۳۳. واسطی، علی بن محمد؛ عیون الحکم و المواعظ؛ تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه؛ قم: مؤسسه البعثه. ۱۳۷۶.
۳۴. ورام. مسعود بن عیسی؛ تنبیه الخواطر و نزهه النواظر: مجموعه ورام؛ تهران: حامد، ۱۳۷۶.
۳۵. وهابزاده مقدم، سیماسادات؛ دانش خانواده با رویکرد اسلامی و روان شناختی؛ تهران: ساکو، ۱۳۹۹.

36. <http://sokhanrani.iranseda.ir>.